

و کف کفایت صاحب دلی که چسب اجنه داد و قوت استبداد
مبوض مپاس آن کاس در آمد باشد هر آینه گمراه نشود
و نظلمات اصحاب بحظ طمانی طیبی و حال آنکه در دست
وی از آن انوار منک و آنرا مقبب نخر ما شد از فرق
کرامت طلوع و لغو هدایت و بالینج هم بندون از آن
لایح **رباعی** هر جنس که در شت عاشق از گننه نوبه در میگد
عشقی هر که در کوبه که در شت بره کم کند ره که کف بود
ز قدح شمع هدایت بر تو فال قدس که **و لوجبت سر علی**
که عداوت بهر اوین رو انما بیع هم جلیت علی انبا المصطفی
ای اظهارت و کشفت اقی اشراب مروق روقای صفا
و روقه نرو قیقا و از روق له صفا **میگوید** اگر ظاهر کرده
شود شراب مذکور ظهور از اخبار استور بر دیده
کسی که از مادر کور زاده باشد و دل بر کور جا و بدینما
هر آینه دیده او منور شود و از دولت بنیای او بر
و ر کرد و از صدای چکیدن آن حی از می پاشم از غلت

ص

صم رباعی باید و به عادت شنوای رسد **رباعی** حوم می
صفت جلوه کتابا باید صد دیده کور روشنائی باید
و زانکه رس صدای بالودن او **و** در گوش کراز که در کتاب
باید **و** مشتاید که مرا فرسخ ناظم قدس که آن باشد که اگر
جلوه داد **و** شود شراب محبت ذاتی بر باطن سر کور مادر
زاد که از آن وقت باز که از آبای علوی و امهات سبط
زاده است دیده نشودش بر وجه حق و جمال مطلق بنفصا
هر آینه بهر بصیرت او پنا شود بر شهود وحدت و کثرت
تو نا کرد و در مجال خلقه جز وجه باقی حق نه بند و در
تقدیر بهر جمال مطلق مشاهده نکند و از صد اصوات صیت
امرا شراب محبت بر رواق ریاضات شاق و بجاهدت
صادق تا از کند رفتن با سو حضرت ذاتی صافی کرد و در
و هم چینه او را گوش سخن نوش گنت استماعی بسیم باز
شود از استماع اسرار روحانه و اخبار ربانیه در هر
آینه **رباعی** عشق کس تو دیده گوش نوم تا دور مانده از تو جا

Copyrighted by King Fahd University